

بزه تمرد در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

امیر کریمی^۱

امیر قیصرزاده^۲

ناصر عزیزی^۳

چکیده

یکی از اعمالی که از سوی قانون‌گذار ایران به عنوان جرم معرفی شده، تمرد در مقابل مأمورین دولتی می‌باشد. تمرد، اصطلاحاً عبارت از هرگونه حمله یا مقاومتی است که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولتی حین انجام وظیفه‌ی آنان به عمل آید. در قوانین ایران، تمرد در دو سطح جرم‌انگاری شده است: نخست، تمرد افراد عادی در برابر مأموران دولتی حین انجام وظیفه؛ و دوم، تمرد افراد نظامی در مقابل سایر مأموران نظامی و انتظامی. عنصر قانونی این جرم را ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ماده‌ی ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ تشکیل می‌دهد. نظر بر این که بر قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ در سال ۱۳۸۲ اصلاحاتی وارد شده و برای تحقق نوع دوم تمرد، یعنی تمرد نظامی، شرایط ویژه‌ای پیش‌بینی شده است، این مقاله با مقایسه‌ی قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح سابق با قانون مجازات جدید در رابطه با بزه تمرد، نواقص قانون سابق را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تمرد، مأموردولت، حین انجام وظیفه، قانون مجازات جرایم

نیروهای مسلح.

۱. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی.

۳. پژوهش‌گر و مدرس دانشگاه.

درآمد

«تمرد»، به معنای سرپیچی، عصیان و از حد خود تجاوز کردن رساندن نافرمانی به جایی که از حد خود بیرون رود و خودسری است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۱۴: ۲۵۳).

جرم تمرد، نافرمانی در برابر قوانین و به تعبیری حکومت است و حقوق اسلام، تمرد علیه حاکم فقیه و عادل را غیر مجاز شناخته و تمرد علیه سایر حکومت‌ها را نه تنها تمرد ندانسته است؛ بلکه هر نوع مساعدت و همکاری با ایشان را اعانت بر ظلم محسوب می‌نماید (هاشمی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۸). این جرم را باید از دفاع مشروع باز شناخت. دفاع مشروع قدرتی بازدارنده است که به موجب آن حق انجام عملی برای شخصی بر علیه دیگری وجود دارد؛ تا خطر حقیقی، حال و غیر مشروع را دفع کند که حق محترم مسلمان یا کافر ذمی یا مستأمن اعم از نفس، مال، عرض و ناموس را مورد تهدید قرار داده است (عطاری، ۱۳۷۰: ۲۳).

در مسائل نظامی، به لحاظ اهمیت و ارتباط با کیان نظام اسلامی، این موضوع از اهمیت بیش‌تری برخوردار است و اطاعت از مقام بالاتر واجب به شمار می‌آید. همان‌طور که باید به اشخاص این امکان داده شود که با اطمینان خاطر از هر تعرضی مصون بمانند، متجاوز نیز باید به مجازات اعمال خویش برسد. بنابراین کسانی که بدون توجه به این امر، نسبت به مأموران حین انجام وظیفه، حمله و مقاومت می‌کنند، باید مؤاخذه شوند. این حکم جنبه‌ی عقلی و عمومی دارد.

در سیر قانون‌گذاری ایران، مقررات مربوط به تمرد، اولین بار با اقتباس از مواد ۲۰۹ و ۲۲۱ قانون جزای ۱۸۱۰ فرانسه، در ماده‌ی ۱۷۸ قانون جزای عرفی^۱ مورد قانون‌گذاری قرار گرفت. با تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴، مواد ۱۶۰ و ۱۶۱ آن جایگزین مقررات قانون جزای عرفی شد. در چهارم دی ماه سال ۱۳۱۸، قانون دادرسی و کیفر ارتش تصویب شد و قانون‌گذار در مواد ۳۳۵ و ۳۳۸ آن، انواع تمرد نظامی را به صورت خاص مورد حکم قرار داد و بدین ترتیب حکم عام مذکور در

۱. «هرگونه حمله و مقاومت که با اقدام عملی به صورت تجری نسبت به مأمورین عدلیه، امنیه، مأمورین وصول مالیات و عوارض و گمرکات، مأمورین توقیف و ضبط و صاحب منصبان وارد آید، نظر به احوال جنایت یا جنحه، طغیان محسوب می‌شود».

مواد ۱۶۰^۱ و ۱۶۱^۲ قانون مجازات عمومی، نسخ جزئی گردید.

با تصویب قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاق چیان مسلح در سال ۱۳۵۰، در قسمت اول ماده‌ی یک این قانون، برای مقاومت مسلحانه‌ی قاچاق چیان اسلحه و مهمات در مقابل قوای دولتی مجازات اعدام پیش‌بینی شد که این ماده از نظر میزان مجازات، مخصص حکم عام مذکور در مواد ۱۶۰ و ۱۶۱ قانون مجازات عمومی بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ماده‌ی ۸۴^۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، رکن قانونی بزه تمرد بود. علاوه بر این در سال ۱۳۸۲ قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح در ماده‌ی ۵۲، با ایجاد تغییراتی، بزه تمرد افراد نظامی را مورد حکم قرار داد و جایگزین ماده‌ی ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ شد؛ در حال حاضر نوع عمومی جرم تمرد نیز در ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی،^۴ جرم‌انگاری شده است.

۱. «هرگونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی به طور تجری نسبت به مأمورین دولت، درحین انجام وظیفه آنان به عمل آید، تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به قرار ذیل است: ۱- هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه کند، به حبس مجرد از دو الی شش سال؛ ۲- هرگاه متمرّد مسلح بوده، ولی دست به اسلحه نکند، به حبس تأدیبی از چهارماه تا دو سال؛ ۳- هرگاه متمرّد غیرمسلح باشد، به حبس تأدیبی از سه ماه الی یکسال محکوم خواهد شد.»

۲. «اگر متمرّد در موقع تمرد مرتکب جنایت یا جنحه دیگری هم گردد، در صورتی که مجازات آن جرم اشد از مجازات تمرد باشد، به مجازات جرم مزبور و آلا به مجازات تمرد محکوم خواهد شد.»

۳. «هرگونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی، به صورت تجری نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنها به عمل آید، تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به قرار ذیل است: هرگاه متمرّد درحین اقدام دست به اسلحه کند، به حبس از شش ماه الی سه سال و در غیر این صورت، به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.»

۴. «هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید، تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است: ۱- هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، حبس از شش ماه تا دوسال؛ ۲- هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه سال؛ ۳- در سایر موارد، حبس از سه ماه تا یکسال.»

۱. رکن مادی جرم تمرد

با تصویب ماده‌ی ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در سال ۱۳۷۱، مواد ۳۳۵ و ۳۳۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸ منسوخ شد.^۱ سابق بر آن، قانون‌گذار در ماده‌ی ۱۶۰ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و همچنین ماده‌ی ۸۴ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ در تعریف عنوان مجرمانه‌ی تمرد، پس از عبارت «هرگونه حمله و مقاومت»، با آوردن عبارت «با اقدام عملی»، رفتار مجرمانه‌ی این جرم را فعل مثبت مادی قرارداده بود. بنابراین هرگونه مخالفت گفتاری یا لفظی با مأمور دولت و یا ترک فعل در برابر اوامر او، تحت عنوان تمرد قابل مجازات نبود. لیکن در ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی، قید «با اقدام عملی» حذف گردید همین اقدام باعث ایجاد این گرایش شد که فعل مثبت معنوی و ترک فعل را نیز در محدوده‌ی این جرم بگنجانند (غلامی، ۱۳۷۱: ۵۵).

ماده‌ی ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱، تمرد را این‌چنین تعریف کرده بود: «هر نظامی، در ارتباط با خدمت، در مقابل مأموران مسلح، حین انجام وظیفه آنان، به طور تجری، مقاومت یا به آنان حمله نماید، متمرّد محسوب می‌شود». تعریف مذکور بیش‌تر تعریف شخص مرتکب است، ولی با تصویب این ماده، مواد ۳۳۵ الی ۳۳۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش، مصوب ۱۳۱۸، نسخ گردید.

در ماده‌ی ۳۳۵ قانون دادرسی و کیفر ارتش، بزه تمرد، بدون توجه به

۱. ماده‌ی ۳۳۵: «هرنوع حمله و مقاومت غیر مسلحانه که نسبت به مأمورین مسلح دولتی در حین انجام وظیفه و به سبب آن به عمل آید، تمرد محسوب و کیفر آن برحسب مورد از شش ماه تا سه سال حبس عادی خواهد بود». ماده‌ی ۳۳۶: «در مورد ماده قبل هرگاه تمرد با اسلحه به عمل آمده باشد، مرتکب به دو تا پنج سال حبس با کار محکوم خواهد شد».

ماده‌ی ۳۳۷: «الف) اگر تمرد توسط عده‌ای از سربازان که بیش از دو نفر و غیر مسلح بوده به عمل آمده باشد، مرتکبین به حبس با کار از سه تا هفت سال محکوم می‌شوند.

ب) اگر مرتکبین با اسلحه باشند، به حبس مجرد از سه تا ده سال».

ماده‌ی ۳۳۸: «هرگاه تمرد به وسیله عده‌ای از سربازان مسلح که کمتر از هشت نفر باشند به عمل بیاید، مرتکبین به اعدام محکوم می‌شوند ولی در صورتی که مرتکبین محرک داشته یا میان آنان افسری باشد، کیفر اعدام فقط درباره‌ی محرک و یا افسری که از حیث درجه بالاتر است مجری خواهد بود و سایرین به حبس موقت با کار محکوم می‌شوند».

شخصیت مرتکب مد نظر قرار گرفت و چنین مقرر شد: «هر نوع حمله یا مقاومت غیر مسلحانه که نسبت به مأمورین مسلح دولتی، در حین انجام وظیفه یا به سبب آن به عمل آید، تَمرد محسوب و کیفر آن در مورد محرک و یا افسری که از حیث درجه بالاتر است، مجری خواهد بود و سایرین به حبس موقت با کار محکوم می‌شوند». در سال ۱۳۸۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مورد بازنگری قرار گرفت و قانون‌گذار در ماده‌ی ۵۲^۱ علاوه بر تعریف متمرّد، به تعیین مجازات برای مرتکب پرداخت.

قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ در مقایسه با قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱، علاوه بر تعیین مجازات، دچار تغییرات دیگری نیز شده است: افزودن عبارات «حین خدمت» و «با علم و آگاهی»؛ حذف قید «به طور تجربی» و تغییر کلمه‌ی «مسلح» به «نظامی و انتظامی»

در ماده‌ی ۳۳۵ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸، به شخصیت و نظامی بودن مرتکب اشاره‌ای نشده بود. لذا برخی از محاکم چنین استنباط می‌کردند که افراد نظامی یا غیرنظامی، مشمول حکم مقرر در ماده‌ی ۳۳۵ می‌باشد؛ ولی برخی دیگر از محاکم، با استناد به ماده‌ی ۳۳۷ همان قانون، معتقد بودند که حکم ماده صرفاً مختص افراد نظامی است. همین برداشت‌های متفاوت، موجبات صدور آراء متعارض در شعبات هشتم و نهم دیوان عالی کشور را فراهم آورد، که با درخواست دادستانی ارتش، موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و منتهی به صدور رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۳۷۰۳ مورخ ۱۳۳۷/۷/۶ گردید. مطابق این رأی «چون از ماده‌ی ۳۳۵ قانون دادرسی و کیفر ارتش و مواد قبل و بعد آن معلوم است که ماده‌ی مزبور، ناظر به حمله و مقاومت اشخاص نظامی در مقابل مأمورین مسلح دولتی می‌باشد؛ نه حمله و مقاومت اشخاص عادی که در ماده‌ی ۱۶۰ قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است؛ بنابراین رأی شعبه‌ی نهم دیوان عالی کشور، از این

۱. «هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن با علم و آگاهی در مقابل مأموران نظامی و انتظامی، حین انجام وظیفه آنان، مقاومت یا به آنان حمله نماید، متمرّد محسوب و به ترتیب زیر محکوم می‌شود: الف) در صورتی که تَمرد با اسلحه صورت گرفته باشد، به حبس از دو تا پنج سال؛ ب) در صورتی که تَمرد بدون سلاح به عمل آید، به حبس از شش ماه تا سه سال. تبصره: اگر متمرّد در موقع تَمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد».

جهت صحیح است.^۱ که با اضافه نمودن قید «هر نظامی» این مشکل مرتفع گردید. در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نیز، از عبارت «هر نظامی» استفاده شده است.

مأمور دولت باید «در حال انجام وظیفه» باشد. منظور از وظیفه‌ی مأمور دولت، شغل یا مأموریت یا تکلیفی است که به موجب قوانین و مقررات از طرف دولت در مفهوم عام، بر عهده‌ی مأمور نهاده شده است؛ اعم از این که وظیفه یا شغل، مستمر، موقتی، افتخاری یا در ازای مزد باشد. با فقدان قرینه‌ای دال بر این محدودیت، مسلم است که منظور، کلیه‌ی کارمندان دولت است و البته باید رابطه‌ای بین شخص مأمور و دولت وجود داشته باشد (ابوالحمد، ۱۳۵۷: ۲۷-۲۴)؛ لذا استدلال برخی از نویسندگان^۲ مبنی بر این که مأمور دولت تداعی کننده‌ی قوه‌ی مجریه است، درست به نظر نمی‌رسد.

با دقت در ماده‌ی ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، می‌توان به این نتیجه قائل شد که قانون فقط مأمور در حال انجام وظیفه را تحت حمایت ویژه قرار داده و افرادی که مشمول انجام وظیفه نیستند، با مردم عادی برابرند. وظیفه یا مأموریت و تکلیف مأمور باید علیه متمرّد یا نسبت به او صورت گرفته باشد؛ یعنی وظیفه‌ی مأمور با حمله یا مقاومت متمرّد در ارتباط بوده و پیوستگی تام داشته باشد (حبیب‌زاده و میرزایی فدافنی، ۱۳۷۹: ۲۲).

لازم نیست مأموریت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم علیه مرتکب انجام می‌شود، مقید کردن این وظیفه، به مرتکب جرم، خلاف اطلاق ماده است و اگر امنیت لازم را در راستای وظایف مأمور نادیده بگیریم، طبعاً هر انسانی توانایی مقاومت در برابر وی را خواهد داشت؛ لذا نمی‌توان برای مأموران دولت در این زمینه محدودیتی قائل شد (مشیر حسینی، ۱۳۸۰: ۲۳).

یکی از تغییرات صورت گرفته در این زمینه، افزودن قید «حین خدمت» است. با این تغییر، دامنه‌ی جرم گسترده‌تر شده و چنانچه افراد نظامی حین خدمت نیز، در مقابل اوامر قانونی سایر افراد نظامی تمرد و سرپیچی نمایند، متمرّد شناخته

۱. بنگرید به: قربانی، ۱۳۷۳: ۵۸۵-۵۸۴.

۲. بنگرید به: بلوری، ۱۳۷۸: ۲۱-۲۲.

شده و مورد تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند؛ ولی در قانون سال ۱۳۷۱، صرفاً اگر ترمرد در ارتباط با خدمت صورت می‌گرفت، فرد مشمول مجازات می‌شد. عبارت «در ارتباط با خدمت»، نشان می‌دهد که این نوع ترمرد، در ارتباط با وظایف و مسؤولیت‌های افراد نظامی و انتظامی که به آنان سپرده شده است، مصداق پیدا می‌کند، ولی در قانون فعلی، چنان‌چه یک فرد نظامی حین خدمت نیز مرتکب ترمرد شود، مورد مجازات قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد هدف از این کار، حفظ نظم و انضباط بیش‌تر در بین نیروهای نظامی و انتظامی است.

به نظر می‌رسد مأموران بایستی همواره در مأموریت‌های خود از لباس فرم مصوب و شناخته شده استفاده نمایند و مضافاً کارت شناسایی همراه داشته باشند تا در صورت درخواست، نسبت به ارائه‌ی آن و معرفی خود، اقدام نمایند. برخی بر این باورند که باید از اصطلاح «مأمور کشوری» به جای مأمور دولتی استفاده شود که به نظر می‌رسد پسندیده نیست (بلوری، ۱۳۷۸: ۲۲-۲۱).

قانون‌گذار در مواد ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ و ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، از عبارت «حمله و مقاومت» استفاده کرده است، لیکن عمداً از گنجانیدن عبارت «با اقدام عملی» در ماده‌ی ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) امتناع کرده است. عبارت «به طور تجری» نیز، در ماده‌ی ۳۴ قانون قدیم مجازات جرایم نیروهای مسلح، آورده شده بود. تجری در لغت به معنای «دلیری و گستاخی» است (معین، ۱۳۷۷: ۱۰۳۰) و از متن ماده برمی‌آید که مربوط به حمله و مقاومت است. در ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی چنین عباراتی حذف شده است، ولی در ماده‌ی ۳۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، با وجود حساس‌تر بودن آن نسبت به قانون مجازات اسلامی، آورده شده بود؛ در حالی که حفظ امنیت مملکت ایجاب می‌کرد قانون‌گذار در نوع نظامی ترمرد، با حذف قید «به طور تجری»، دامنه‌ی مجرمانه‌ی آن را نسبت به نوع عمومی گسترش دهد. قانون جدید جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، این قید را از عبارت ماده برداشته است؛ یعنی همان گسترده‌ی ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی را در رابطه با جرایم نیروهای مسلح نیز رعایت کرده است و شاید در صد ایجاد وحدت در متون قانونی بوده است.

غالباً در تحقق جرم، خصوصیت مرتکب نقشی ندارد؛ مگر این که وضع خاصی در متهم و یا سابقه‌ی او باعث تشدید یا تخفیف مجازات شود، مثلاً سمت و مأموریت دولتی داشتن، در مواقعی از موجبات تشدید است که به عنوان مثال در قسمت آخر ماده‌ی ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی^۱ آمده است.

شاید به همین خاطر از واژه‌ی «هر کس» یا «هر شخص» استفاده کرده است. در نوع عمومی تمرد، ویژگی خاصی برای مرتکب شرط نشده است و فرقی نمی‌کند که متمرّد شخص عادی باشد یا مأمور دولت. تمرد از سوی کارکنان دولتی نیز متصور است و برای آن‌ها مقررات خاص در نظر گرفته شده است، ولی چنانچه مقررات خاص برای آن‌ها ذکر نشده باشد، مشمول ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی خواهند بود.

در قانون سابق نیروهای مسلح، به جای عبارت «مأمور دولت»، عبارت «مأمور مسلح» به کار برده شده بود که باعث خروج پرسنل غیر مسلح از این عنوان مجرمانه می‌گردید؛ مثلاً چنانچه یک سرباز، در ارتباط با خدمت علیه دژبانی که سلاح همراه ندارد و از خروج وی از پادگان به دلیل همراه نداشتن برگ مرخصی جلوگیری می‌کند، حمله یا مقاومت نماید؛ عمل وی مشمول تمرد موضوع ماده‌ی ۳۴ قانون مارالذکر نمی‌شد و به تجویز ماده‌ی ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱،^۲ برابر ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی تحت تعقیب و مجازات قرار می‌گرفت. البته استناد به قانون مجازات اسلامی، موجب تغییر صلاحیت مرجع رسیدگی کننده نشده و کماکان دادگاه نظامی صالح به رسیدگی است. با وجود قانون سابق، حتی یک سرباز وظیفه‌ی مسلح، در صورتی که مأمور به ایفای وظیفه‌ای بوده باشد، می‌توانست مجنی علیه این ماده قرار گیرد، لیکن در قانون جدید، به جای عبارت «مسلح»، از عبارت «مأموران نظامی و انتظامی» استفاده شده است. منظور از مأمور انتظامی، مأمورانی است که در مورد جرایم ارتكابی از سوی پرسنل نیروهای

۱. «... در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها یا مؤسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد، یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد».

۲. «در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد، دادگاه طبق قوانین عمومی، تعیین کیفر خواهد نمود».

مسلح، به عنوان ضابط نظامی، عهده‌دار جمع‌آوری دلایل ارتکاب جرم، جلوگیری از فرار متهم، بازجویی و سایر اقدامات قانونی می‌باشد (آشوری، ۱۳۷۸: ۱۲۰). پیش از این اصلاح، اگر مأمور مسلح نمی‌بود، حتی با وجود محقق شدن تمام شرایط مشمول ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی قرار می‌گرفت اما با اصلاح فوق ضرورتی ندارد که مجنی‌علیه حامل سلاح باشد و همین که جزو نیروهای نظامی یا انتظامی باشد، کفایت می‌کند تا بتوان به استناد قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، وی را تحت تعقیب قرار داد.

با ملاحظه‌ی قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، در می‌یابیم که اشخاص مشمول عنوان نظامی، به نوعی دارای رابطه‌ی استخدامی با یکی از سازمان‌های نظامی اند. صرف واگذاری اسلحه به افراد غیر نظامی، بدون وجود علت استخدامی با نیروهای مسلح، مانع از آن است که فرد را نظامی محسوب کنیم.^۱

با وجود عبارت «مسلح بودن»، آشکار یا پنهان بودن سلاح، از تحقق عنوان مجرمانه نمی‌کاهد. مأمور دولت شامل کلیه‌ی مستخدمان پیمانی، کارمزد و ... است؛ مگر این که قرینه‌ای لفظی، عقلی یا معنوی وجود داشته باشد. البته باید بین شخص مأمور و دولت رابطه‌ای وجود داشته باشد (ابوالحمد، ۱۳۵۷: ۲۷-۲۴). دایره‌ی شمول «مأمور دولت»، از «کارمند دولت» یا «مستخدم دولت» گسترده‌تر است. بین این دو واژه، رابطه‌ی عموم و خصوص مطلق وجود دارد؛ یعنی ممکن است که مأمور دولت، کارمند دولت باشد یا نباشد (میرزایی فدافنی، ۱۳۷۹: ۱۴۸).

حذف عبارت «به طور تجری»، در ماده‌ی ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، دایره‌ی این جرم را تنگ‌تر کرده است.

۲. رکن معنوی

جرم تمرد، از جرایم عمدی است و وجود سوءنیت عام برای تحقق رکن روانی آن لازم است. ارزیابی نتیجه و میزان تأثیر یا عدم تأثیر حمله یا مقاومت در انجام وظیفه‌ی مأموران، ضرورت ندارد و جرم با نفس حمله یا مقاومت تحقق می‌یابد. از این حیث، جرم مذکور، مطلق است. خصیصه‌ی این نوع جرم و ارتباط نزدیک آن با

۱. بنگرید به: سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱: ۴۰.

حسن اجرای نظم در جامعه، اقتضا دارد که به صرف ثبوت سوءنیت عام و اراده و قصد آگاهانه‌ی متمرّد، تحقق جرم را محرز دانست و به صرف این که نتیجه‌ای مشخص حاصل نشده، از مجازات فرد متمرّد و سرکش دست نکشید.

در رابطه با اضافه نمودن قید «با علم و آگاهی» و حذف قید «به طور تجربی»، در قانون جرایم نیروهای مسلح سال ۱۳۸۲ باید گفت که قانون‌گذار، همانند قانون مجازات اسلامی عمل نموده و در خصوص نوع نظامی تمرد نیز، مرتکب بایستی علم و آگاهی داشته باشد که مأمور نظامی یا انتظامی حین انجام وظیفه می‌باشد و لازم نیست تمرد همراه با تجربی ارتکاب گیرد. بر اساس رای اصراری شماره‌ی ۱۲۱ مورخ ۱۳۴۱/۱/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «اگر شاکی مأمور خفیه‌ی آگاهی بوده، چون اصل بر عدم شناسایی او از طرف اشخاص است؛ لذا چنان‌چه مورد ایراد ضرب و جرح واقع شود، مشمول عنوان تمرد نمی‌باشد؛ زیرا این اتهام زمانی وارد است که متهم علم به مأمور دولت بودن وی داشته باشد».

۳. مجازات

از نحوه‌ی نگارش بندهای «الف» و «ب»، ماده‌ی ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲^۱، در خصوص مجازات اصلی تمرد می‌توان دریافت که قانون‌گذار تفاوتی بین اسلحه‌ی سرد و گرم قائل نشده است، لیکن عبارت بند «الف»، گویای این است که اسلحه باید ظاهر باشد و متمرّد اصطلاحاً دست به اسلحه برد. از این رو، صرف داشتن اسلحه نمی‌تواند خواسته‌ی مقنن را در این ماده برآورده سازد (باری، ۱۳۸۲: ۵۹۷). در حقیقت عبارت «تمرد با اسلحه صورت بگیرد»، با همراه داشتن یا نداشتن اسلحه متفاوت است. منظور از این بند، این است که حین تمرد از سلاح خود استفاده کرده باشد (سیروس و شکری، ۱۳۸۲: ۵۹۷). در نتیجه، داشتن، نشان دادن و دست به سلاح بردن، مشمول بند نخست این ماده نخواهد شد. یکی از ایرادهای این مبحث، تقسیم‌بندی اسلحه به سرد و گرم است؛ در حالی که امروزه سلاح‌های بیولوژیک و لیزری نیز مورد استفاده‌ی مجرمان قرار می‌گیرد.

۱. الف) در صورتی که تمرد با اسلحه صورت گرفته باشد، به حبس از دو تا پنج سال؛ ب) در صورتی که تمرد بدون اسلحه به عمل آید، به حبس از سه ماه تا سه سال.

مناسب بود در رابطه با تعریف و تعیین مصادیق اسلحه از قواعد کلی استفاده می‌شد که جامعیت و مانعیت در آن لحاظ شود و خلأهای قانون مجازات اسلامی در این خصوص را پوشش دهد؛ اسلحه، آلتی برای جنگ و یا دفاع است و به مناسبت پیشرفت‌های بشری، نوع آن متفاوت است و به هر حال کلمه‌ی اسلحه، معنایی عام دارد و شامل موارد ذکر شد هم خواهد شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰: ۴۸-۴۶).

تا پیش از تصویب قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح، در ماده‌ی ۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱^۱ مجازات‌های تتمیمی نیز پیش‌بینی شده بود. قانون جدید نیز در ماده‌ی ۱۵^۲ به این موضوع پرداخته است. تبصره‌ی این ماده ۱۵ مقرر می‌دارد: «در هر مورد که دادگاه از مجازات‌های فوق به عنوان مجازات اصلی استفاده نموده یا مجازات حبس را به یکی از موارد فوق تبدیل کرده باشد، نمی‌تواند همان مجازات را به عنوان مجازات تتمیمی مورد حکم قرار دهد». اضافه خدمت نیز در ماده‌ی ۶^۳ و مجازات تکمیلی کارکنان پایور در ماده‌ی ۱۶^۴ است.

در قانون مجازات جدید، توقیف کارت پایان خدمت مغفول مانده است. البته

۱. «دادگاه نظامی می‌تواند حسب مورد در محکومیت‌های تعزیری به عنوان تتمیم مجازات، متهم را به مجازات‌های زیر محکوم کند: الف) در مورد پرسنل وظیفه: ۱- توقف کارت پایان خدمت تا یک سال؛ ۲- اضافه خدمت تا شش ماه؛ ب) در مورد سایر پرسنل: ۱- تنزیل یک درجه؛ ۲- انفصال موقت از خدمت در نیروهای مسلح یا مشاغل دولتی حداکثر به مدت شش ماه؛ ۳- اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه معین یا نقاط معین از سه ماه تا سه سال؛ ۴- کسر حقوق به میزان یک سوم به مدت شش ماه؛ ۵- محرومیت از ترفیع حداکثر تا دو سال. - محرومیت از تصدی بعضی از مسؤولیت‌های نظامی و انتظامی حداکثر به مدت ۵ سال».

۲. «دادگاه‌های نظامی، می‌توانند در جرایم تعزیری و بازدارنده، علاوه بر تعیین مجازات به عنوان تتمیم حکم، متهم را به یکی از مجازات‌های زیر محکوم کنند: الف) درمورد کارکنان پایور منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین از سه ماه تا سه سال؛ ۲. محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال؛ ب) درمورد کارکنان وظیفه: ۱. اضافه خدمت حداکثر به مدت سه ماه؛ ۲. تنزیل یک درجه افسران و درجه‌داران وظیفه؛ ۳. منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین از سه ماه و حداکثر تا پایان خدمت وظیفه و در صورتی که باقی‌مانده خدمت دوره ضرورت کمتر از سه ماه باشد، دادگاه می‌تواند خدمت باقی‌مانده را مورد حکم قرار دهد».

۳. «در موردی که کارکنان وظیفه به اضافه خدمت محکوم می‌شوند، کلیه مقررات مربوط به خدمت از جمله مقررات کیفری و انضباطی نیروهای مسلح در زمان تحمل اضافه خدمت درباره آنان جاری است».

۴. «حداکثر محکومیت به انفصال موقت در مورد کارکنان پایور نیروهای مسلح یک سال است و محکومان به این مجازات از حقوق بدون کاری مطابق مقررات استخدامی مربوط استفاده خواهد کرد».

این مجازات برای همه مجرمان اثر یکسان نداشت؛ چرا که بسیاری از افراد نیازی به کارت پایان خدمت نداشته و تأخیر در صدور آن، زبانی به ایشان وارد نمی‌کند؛ مضافاً این که به هنگام پایان خدمت ضرورت، گواهی موقت به آنان اعطاء می‌شد که جایگزین کارت پایان خدمت بود (باری، ۱۳۸۳: ۵۴).

تا پیش از تصویب قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۸۲) مقنن، محکومیت به حبس غیر تعلیقی زاید بر دو سال را موجب صدور حکم اخراج از نیروهای مسلح می‌دانست، ولی در قانون جدید، محکومیت به حبس غیر تعلیقی زاید بر پنج سال موجب صدور حکم اخراج قلمداد شده که این امر، در واقع نوعی تخفیف است.

مجازات‌های تبعی در مورد پرسنل ثابت نیروهای مسلح در ماده‌ی ۱۲^۱ آمده است. ضمن این که مقنن در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ مقرر داشته: «در صورتی که کارکنان پایور نیروهای مسلح به حبس از دو تا پنج سال محکوم شوند، اخراج از خدمت (انفصال، بازخریدی و یا بازنشستگی) با توجه به نوع جرم و با رعایت مقررات استخدامی نیروهای مسلح با رای کمیسیون‌های انضباطی نیروهای مسلح خواهد بود».

مطابق ماده‌ی ۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ پرسنل کادر نظامی که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها به مجازات‌های خاص محکوم شوند، از خدمت در نیروهای مسلح اخراج خواهند شد. مقنن با وضع این تبصره، اختیار اخراج مجرم از نیروهای مسلح را به کمیسیون‌های انضباطی داخلی نیروهای مسلح واگذار نموده است و ملاک اخراج، مدت حبس مندرج در حکم است. لذا آزادی محکوم پیش از سپری شدن مدت محکومیت، تأثیری در امر اخراج ندارد (اردبیلی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۹۱).

با توجه به قید «در مورد تعدد» در بند ۱ ماده‌ی ۱۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، در صورتی که جرایم عادی متعدد (موضوع صدر ماده‌ی ۴۷ قانون

۱. «اعضای ثابت نیروهای مسلح که به موجب احکام قطعی دادگاه‌ها در جرایم عمدی به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند؛ از زمان قطعیت حکم از خدمت اخراج می‌گردند: الف) محکومیت یا محکومیت‌های (در صورت تعدد) به حبس غیر تعلیقی زاید بر پنج سال؛ ب) محکومیت به حدود؛ ج) محکومیت به سبب ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ د) محکومیت به قصاص نفس یا قطع عضو».

مجازات اسلامی) در پرونده‌ی واحد رسیدگی شده و مجموع مجازات‌های اصداری زاید بر پنج سال باشد، مرتکب از خدمت اخراج می‌گردد، لیکن در مورد تکرار جرم، ولو این که جمع مجازات‌های جرایم مورد رسیدگی از پنج سال زاید باشد، اخراج از خدمت، با استناد به بند یک ماده‌ی ۱۲ قانون مذکور موجه نیست (غلامی، ۱۳۸۲: ۵۰).

ماده‌ی ۱۴ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح،^۱ بازنویسی ماده‌ی ۶ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱^۲ است؛ با این تفاوت که مطابق قانون سابق، محکومان موضوع این ماده، ادامه‌ی مراحل خدمت را مانند سرباز عادی انجام می‌دادند، اما بر مبنای قانون جدید، پس از اجرای مجازات، با دو درجه یا رتبه‌ی پایین‌تر خدمت خود را ادامه خواهند داد.

قانون جدید همانند قانون سابق، در خصوص ارتکاب جرایم مستلزم اخراج از سوی سرباز عادی ساکت است. لذا چنانچه سرباز عادی به یکی از مجازات‌های مستلزم اخراج محکوم شود، تأثیری در ادامه‌ی خدمت آنان نخواهند داشت.

در ماده‌ی ۵۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح نیز، در بند نخست برای تمرد با اسلحه، مجازات شدیدتری از بند دوم تعیین شده است. در مقایسه‌ی نوع عمومی جرم تمرد با نوع نظامی آن نیز، دیده می‌شود که به سبب خصوصیت مجنی‌علیه (نظامی بودن) یا در ارتباط بودن جرم با خدمت نظامی، مجازات نوع نظامی شدیدتر از نوع عمومی آن است. در قانون سابق، خصوصیت مسلح بودن مجنی‌علیه و به طور تجری بودن حمله یا مقاومت، از عوامل مشدده‌ی دیگری بود که با اصلاح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، دیگر قابل بحث نیست. ماده‌ی ۵۲ در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، در صورت مسلح بودن به تشدید مجازات اشاره کرده است. لذا با وجود مسلح بودن افراد، یا در صورتی که تمرد نسبت به چند نفر صورت گیرد، نمی‌توان مجازات متمرّد را تشدید نمود؛ در حالی که یکی از کیفیات

۱. «افسران و درجه‌داران وظیفه و کارکنان پیمانی که خدمت وظیفه خود را به اتمام نرسانده‌اند، چنانچه به علت ارتکاب جرایم عمدی به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده‌ی ۱۲ این قانون محکوم شوند، بقیه خدمت وظیفه خود را پس از اجرای مجازات با دو درجه یا رتبه پایین‌تر به صورت خدمت وظیفه انجام خواهد داد».

۲. «افسران و درجه‌داران وظیفه‌ای که به یکی از مجازات‌های مستلزم اخراج محکوم شوند، بقیه مراحل خدمتی را پس از اجرای مجازات مثل سرباز عادی انجام خواهند داد».

مشدده‌ی عینی در ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی، به کار بردن اسلحه است (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۲۱۸).

قانون قدیم، تخفیف و تبدیل مجازات پرسنل وظیفه و پرسنل کادر را به طور مجزا ذکر کرده^۱ و نکته‌ی مثبت قانون مذکور این بود که مجازات‌های کمتر از یک سال را قابل تبدیل به شلاق یا جزای نقدی می‌دانست که از جهت کاهش حبس‌های کوتاه مدت و فاقد وجهه‌ی بازدارندگی، مفید به نظر می‌رسید. در این قانون، در خصوص پرسنل وظیفه، کلیه‌ی حبس‌ها بدون توجه به مدت آن قابل تبدیل بود، لیکن در مورد پرسنل کادر، بنا به حساس‌تر بودن وظیفه‌ی آن‌ها، تبدیل فقط در مورد مجازات‌های تا دو سال حبس قابل اعمال بود. ایراد دیگری که بر این ماده وارد بود، آن که قانون‌گذار به صورت کلی و بدون ذکر شماره، تبدیل مجازات‌ها را احصاء نموده است و بهتر بود پس از تفکیک محکومیت‌ها، میزان و نحوه‌ی تبدیل و تخفیف هر یک از موارد را جداگانه بیان می‌نمود تا در اعمال آن اشتباهی صورت نپذیرد. البته در قانون جدید این اشکالات مرتفع گردیده و با ذکر این مطلب که «اعمال تخفیف و تبدیل به موجب همین قانون است»^۲ بر حسب نوع مجازات که حبس باشد یا غیر آن؛ و بنا بر کارمند پایور و یا کارمند وظیفه بودن، در ارتباط با تخفیف آن، به تفکیک

۱. ماده‌ی ۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱: «دادگاه‌های نظامی می‌توانند مجازات حبس را با توجه به مراتب جرم، امکانات خاطی و کیفیات مخففه یا سایر اوضاع و احوال به مجازات تعزیری دیگر به شرح زیر تبدیل نمایند: در مورد پرسنل وظیفه، مجازات حبس کمتر از یک سال به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال، حبس‌های بیش‌تر از یک سال به تبعید در حال خدمت یا اضافه خدمت حداکثر تا یک سال یا جزای نقدی از دویست هزار الی یک میلیون ریال. در مورد پرسنل کادر، حبس‌های کم‌تر از یک سال به شلاق تا هفتاد و چهار ضربه یا جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا انفصال از خدمت به طور موقت حداکثر به مدت یک سال یا اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه یا نقاط منطقه معین یا انتقال به منطقه معین حداکثر به مدت شش ماه یا کسر حقوق به میزان یک سوم، حداکثر به مدت شش ماه و یا تنزیل درجه یا محرومیت از ترفیع حداکثر تا یک سال یا حبس با خدمت حداکثر تا یک سال و در مورد حبس‌های یک سال تا دو سال به جزای نقدی از دویست هزار تا دو میلیون ریال، انفصال موقت یا انتظار خدمت حداکثر به مدت یک سال، اقامت اجباری یا منع اقامت در نقطه یا نقاط معین حداکثر به مدت دو سال، محرومیت از ترفیع حداکثر به مدت دو سال، تنزیل یک یا دو درجه یا محرومیت از تصدی بعضی از مشاغل و مسؤولیت‌ها حداکثر به مدت ده سال».

۲. ماده‌ی ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: «دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است، به استناد این قانون حکم صادر کند. اعمال تخفیف و تبدیل نیز، به موجب همین قانون خواهد بود».

تعیین تکلیف کرده است. همچنین بر مبنای مدت مجازات حبس، به ترتیب در مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۱۱ همین قانون، جهات مخففه را به طور مجزا بیان کرده است. ماده‌ی ۳ قانون مارالذکر در مورد حبس‌های حداکثر دو سال و ماده‌ی ۵ در خصوص حبس‌های بیش از پنج سال قابل اعمال است که در مورد جرم مورد نظر ما مصداق پیدا نمی‌کند. تخفیفی که در مورد بند «الف» ماده‌ی ۵۲ قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح در ارتباط با تمرد نظامی قابل استناد می‌باشد، ماده‌ی ۴ قانون مذکور^۱ است.

مطابق ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات اسلامی در مورد تخفیف، چنانچه موارد تخفیف در موارد خاص دیگری پیش‌بینی شده باشد، نمی‌توان دوباره به همان جهت تخفیف داد. حکمی نظیر همین ماده، در قانون مجازات نیروهای مسلح آمده که اگر بر اساس مواد ۳ الی ۵ این قانون در خصوص حبس تخفیفی داده شد، نمی‌توان مجدداً بر اساس ماده‌ی ۷ تخفیف داد. البته به نظر می‌رسد ماده‌ی ۷ خود بر این مطلب دلالت دارد که منظور از تخفیف در این ماده، مواردی غیر از حبس می‌باشد.^۲

مجازات‌های تنزیل درجه و محرومیت از ترفیع، از جمله مجازات‌های خاص نظامیان است و فقط نسبت به این گروه اعمال می‌شود. بعضی کیفرهای تتمیمی مانند توقف کارت پایان خدمت، اضافه خدمت و کسر حقوق، از کیفرهایی است که تنها درباره‌ی محکومان نظامی مصداق می‌یابد. تفاوت دیگر آن با نوع عمومی، از حیث آثار و تبعات محکومیت کیفری نظامی است؛ اگرچه گاه سایر محکومیت‌های عمومی نیز دارای آثار تبعی است، اما آثار تبعی محکومیت افراد نظامی، سنگین‌تر است. از سویی، وجود دادگاه‌های ویژه برای نظامیان و لزوم شرکت خود آنان در جریان

۱. «در کلیه جرایمی که مجازات حبس در این قانون بیش از دو سال تا پنج سال است، دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه، مجازات حبس را تا یک سوم حداقل مجازات قانونی جرم تخفیف دهد و یا به یکی از مجازات‌های ذیل متناسب با مجازات اصلی تبدیل نماید: الف) در مورد کارکنان پایور: ۱- جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال؛ ۲- محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال؛ ۳- تنزیل یک درجه و یا رتبه؛ ۴- انفصال موقت از شش ماه تا یک سال؛ ب) در مورد کارکنان وظیفه: ۱- ماده‌ی ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: «دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است به استناد این قانون حکم صادر کند. اعمال تخفیف و تبدیل نیز، به موجب همین قانون خواهد بود».

۲. ماده‌ی ۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: «در مواردی که در این قانون، مجازات‌های دیگری غیر از حبس به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شده در صورت وجود جهات مخففه، به شرح زیر قابل تبدیل و تخفیف می‌باشد...».

رسیدگی، حتی مخالفان وجود دادگاه‌های اختصاصی را مجاب کرده است که به دلیل دفاع از حیثیت نظامی کشور و ارتباط با امنیت کشور، برخورد قاطع‌تر با آنان صورت گیرد (آخوندی، ۱۳۸۰: ۲۲۱). به عنوان مثال در ماده‌ی ۱۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، اخراج از خدمت، یکی از اثرات تبعی محکومیت‌های مندرج در بندهای ماده‌ی ۱۲ مارالذکر است و چه بسا اثر تبعی مجازات موضوع حکم برای محکوم‌علیه، به مراتب سنگین‌تر از مجازات اصلی باشد و شخص باید تا آخر عمر آن را تحمل نماید. در واقع، به دلیل انتظار جامعه از نظامیان در انجام تکالیفشان که متضمن فضایی نظیر درست‌کاری، هوشیاری، وفاداری و دقت عمل است، کوچک‌ترین تخطی غیر قابل چشم‌پوشی بوده و متخلفان به شدیدترین نوع مجازات‌های تبعی و تکمیلی، محکوم خواهد شد. پاسداری از تمامیت و استقلال کشور اقتضا دارد که بیش از همه نظامیان، ابتدا تابع اصول و قواعدی باشند که از آن حمایت و دفاع می‌کنند. با توجه به اهمیت این مبحث، لزوم این امر که جرایم نظامیان باید از جرایم عمومی بازشناخته شود، آشکار می‌شود.

یافته‌های پژوهش

با وجود اصلاحات صورت گرفته در قانون مؤخرالتصویب، همچنان مواردی به چشم می‌خورد که جای تعمق و اصلاح دارد. از جمله‌ی این موارد، تعاریف واژگان به کار رفته در آن است؛ به گونه‌ای که جای ابهامی در معنا و مفهوم آن نماند. از موارد قابل ذکر، کلمات «وظیفه» و «مأمور دولتی» است. وجود تعریفی مشخص از این واژگان، از ابهام قانون خواهد کاست و راه را بر هر تفسیر موسع می‌بندد. قانون‌گذار باید در به کار بردن این اصطلاحات اختصاصی، دقت بیش‌تری معمول دارد یا این‌که تعریف مشخصی از این عبارات ارائه دهد. هم‌چنین در مورد تعریف «مأمور دولت» در قانون استخدام کشوری، با خلاء قانونی مواجه هستیم.

بهتر بود قانون‌گذار با توجه به برداشت‌های مختلفی که از معنای لغوی «حمله و مقاومت» می‌شود، در ماده‌ی ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی و ماده‌ی ۵۲ قانون جرایم نیروهای مسلح، در تعریف جرم، از عبارت «با اقدام عملی» استفاده می‌کرد که هرگونه شبهه و ابهامی را در خصوص حیطة و شمول معنای لغوی این دو عبارت برطرف می‌ساخت. ارتکاب عمل (فعل مثبت مادی) در معنای هر دو کلمه نهفته است. به عبارتی، هر دو واژه از مصادیق بارز مخالفت عملی به شمار می‌روند و مواردی که مربوط به فرد مقابل و فعل نیست، ترمرد محسوب نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت مصادیق آن عرفی است و در قانون ما، این مصادیق تعریف مشخصی ندارد و شناخت مصادیق ترمرد، حسب موضوع و کیفیت عمل ارتكابی است. در واقع منظور از «حمله به مأمور دولت»، ارتکاب عملی است که هدف از اعمال آن، مقهور کردن وی است و «مقاومت» نیز جلوگیری از انجام وظیفه‌ی مأمور دولت است که شامل مخالفت لفظی و ترک فعل نمی‌شود. بنابراین ترمرد وقتی مصداق دارد که به صورت حمله یا مقاومت (فعل مثبت) باشد و صرف عدم اطاعت از دستور مأمور بدون آن که توأم با حمله یا مقاومت باشد، ترمرد محسوب نمی‌شود. حذف این عبارت، موجبات سوء استفاده مأموران دولتی را فراهم می‌آورد. بنابراین بهتر این بود که به منظور جلوگیری از تفسیر موسع قوانین جزایی، این قید از متن ماده حذف نمی‌گردید.

از نظر محدوده‌ی عبارت «در حین انجام وظیفه»؛ که آیا شامل اعمال تصدی هم می‌شود یا نه، ابهام وجود دارد و بهتر است قانون‌گذار نوع وظیفه‌ی محوله را

مشخص کند. به نظر می‌رسد وظایف مأموران در حیطه‌ی اعمال حاکمیتی، مشمول عنوان مجرمانه‌ی تمرد خواهد شد، نه اعمال تصدی آن‌ها؛ لذا باید دامنه‌ی وسیع «مأموران دولت» را محدود کرد. با توجه به حکم شماره‌ی ۳۰۹۶ مورخ ۱۳۱۸/۱۲/۱۲ شعبه‌ی دوم دیوان عالی کشور که مقاومت در مقابل مأمور در اعمال تصدی را تمرد ندانسته؛ می‌توان قائل به درستی این نظر شد. بدیهی است کسی مانع انجام وظایف تصدی مأمور دولت نمی‌گردد. در واقع، هدف قانون‌گذار از تعیین مجازات، این است که با تأمین شرایط لازم برای انجام وظیفه‌ی مأموران، اعمالی مورد حمایت قرار گیرد که حفظ نظم جامعه را تسهیل کند و از اقدامات مملکتی دفاع نماید که این امر شامل اعمال حاکمیتی می‌شود.

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ ششم، ۱۳۸۰.
- ۲- آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، جلد نخست، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۳- ابوالحمد، عبدالحمید، *حقوق اداری، استخدا/م کشوری و مسؤولیت مدنی ایران*، جلد دوم، تهران، دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۵۷.
- ۴- اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۵- البستانی، فواد، *فرهنگ جدید عربی - فارسی*، اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴.
- ۶- العطار، داوود، *دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام*، برگردان: اکبر غفوری، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ نخست، ۱۳۷۰.
- ۷- باری، مجتبی، *حقوق جزای نظامی*، میثاق عدالت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
- ۸- بلوری، محمدرضا، *جرایم علیه کارمندان دولت*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۸.
- ۹- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، جلد چهاردهم، سازمان لغت‌نامه، ۱۳۴۱.
- ۱۰- سازمان قضایی نیروهای مسلح، «*پرسش‌های حقوقی قضایی و نظریات مشورتی*»، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
- ۱۱- سیروس، قادر و شکری، رضا، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، مهاجر، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- ۱۲- حبیب‌زاده، محمدجعفر و میرزایی فدافنی، محمد، «*مقاومت در برابر مأمورین دولت*»، ماهنامه‌ی دادرسی، تهران، سازمان قضایی نیروهای مسلح، سال چهارم، شماره‌ی بیست و سوم، ۱۳۷۹.
- ۱۳- حسینی بهشتی، محمد، *حکومت در اسلام*، جلد نخست، سروش، چاپ نخست، ۱۳۶۷.
- ۱۴- خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، شهر دانش، چاپ دهم، ۱۳۹۰.
- ۱۵- غلامی، حسین، *تکرار جرم، بررسی حقوقی جرم‌شناسی*، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

- ۱۶- غلامی، محمدحسین، *تمرد نسبت به مأمورین دولتی در حقوق کیفری ایران*، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۱.
- ۱۷- قربانی، فرج الله، *مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور (جزایی)*، تهران، فردوسی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳.
- ۱۸- معین، محمد، *فرهنگ فارسی (دوره‌ی شش جلدی)*، تهران، امیرکبیر، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷.
- ۱۹- موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، جلد سیزدهم، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، چاپ نخست، ۱۳۷۸.
- ۲۰- مشیرحسینی، محمدحسین، «*جنحه و جنایت نسبت به مأمورین دولت*»، مجموعه حقوقی نشریه اداره‌ی فنی دادگستری، سال دوم، شماره‌ی ۲۸، ۱۳۸۰.
- ۲۱- میرمحمد صادقی، حسین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۰.
- ۲۲- هاشمی، محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام*، جلد نخست، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- ۲۳- میرزایی فدافنی، محمد، *تمرد در حقوق کیفری ایران*، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.